

# بررسی ویژگی‌های اخلاقی یهود عصر پیامبر<sup>(ص)</sup> و نقش آنان در شبهه‌تغییر قبله از منظر قرآن

نصرت نیلساز\*

استادیار دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

زهره بابااحمدی میلانی\*\*

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، ایران

رقیه مددی\*\*\*

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۹)

## چکیده

یهودیان عصر پیامبر<sup>(ص)</sup> ویژگی‌های اخلاقی خاصی نظیر نژادپرستی، پیمان‌شکنی، بهانه‌جویی، استکبار و حسادت داشتند، لذا در مواجهه با پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup>، وقتی که دیدند هر روز بر جمعیت پیروان دین اسلام افزوده می‌شود و دین جدید گسترش روزافزونی دارد، به دلیل ویژگی‌های مذکور، تحمل پیشرفت اسلام را نداشتند. از این رو، علاوه بر دسیسه‌ها و نقشه‌های شوم خود، شروع به شبهه‌پراکنی علیه پیامبر نمودند. خداوند نیز پاسخی منطقی به شبهات خاصه آنان داده است. از مهم‌ترین شبهات یهودیان، اعتراض به تغییر قبله است. در این پژوهش، ویژگی‌های اخلاقی یهود عصر پیامبر<sup>(ص)</sup> و شبهه آنان در باب تغییر قبله و پاسخ‌های قرآن بدان تبیین شده است و با بهره‌گیری از تفاسیر مهم و تأکید ویژه بر تفسیر المیزان بررسی شده است.

واژگان کلیدی: یهود، شبهه، قبله، پیامبر<sup>(ص)</sup>، قرآن، ویژگی‌های اخلاقی.

---

\*E-mail: nilsaz@modares.ac.ir

\*\*E-mail: z.milani21@yahoo.com (نویسنده مسئول)

\*\*\*E-mail: madadi\_roghaye@yahoo.com

## مقدمه

یهودیان اخلاق و ویژگی‌های منحصر به فردی داشتند که آن‌ها را از ملت‌های دیگر جدا می‌ساخت و همواره اخلاق آن‌ها، علت اصلی رفتار ننگین و اعمال زشت ایشان بوده است، به طوری که نفرت مردم را نسبت به آنان برانگیخته، باعث رنج‌هایی شده که در طول قرن‌های گذشته متحمل شده‌اند. اسلام همواره به دین یهود به عنوان یکی از ادیان بزرگ آسمانی به دیده احترام نگریسته، اما ملت یهود به استثنای گروهی از آنان، در طول تاریخ، به دین الهی تعبد عملی نداشته‌اند و خداوند هم در قرآن کریم غالباً آن‌ها را نکوهش کرده است. یهودیان وقتی دیدند هر روز بر پیروان دین اسلام افزوده می‌شود، دسیسه‌ها و توطئه‌های آنان هم زیاد شد. آن‌ها برای مقابله با پیامبر و دین او، علاوه بر کشیدن نقشه‌های شوم، شروع به شبهه‌افکنی نمودند و به معارضه با پیامبر<sup>(ص)</sup> پرداختند. خداوند نیز پاسخی منطقی به معارضه‌های خاصه آنان داده است. از جمله این شبهات و در واقع، یکی از شبهه‌های مهم که در قرآن کریم مطرح شده است، اعتراض ایشان به قبله مسلمانان بود.

در این پژوهش، شبهات یهودیان، چه قبل از تغییر قبله و چه بعد از تغییر قبله، با تأکید بر تفسیر المیزان، ریشه‌یابی شده است و به بازبانی حوزه‌های مختلف آن پرداخته است. پیداست که چنین رویکردی نیازمند شناخت دقیق یهودیان است. بنابراین، ابتدا ویژگی‌های اخلاقی رفتاری یهود را بررسی می‌کنیم، سپس به نقش آنان در شبهه‌پراکنی علیه پیامبر<sup>(ص)</sup> در باب تغییر قبله می‌پردازیم و ضمن آن به دو سؤال پاسخ داده می‌شود: ۱- چه خصلت‌هایی باعث شد که یهود به شبهه‌پراکنی علیه پیامبر<sup>(ص)</sup> اقدام کنند؟ ۲- پاسخ قرآن و عکس‌العمل پیامبر<sup>(ص)</sup> در برابر شبهات یهود نسبت به قبله مسلمانان چیست؟

قبل از شروع بحث، لازم است به مفهوم‌شناسی یهود پردازیم و پس از آن، به ویژگی‌های اخلاقی یهود و نیز شبهات آنان خواهیم پرداخت.

## ۱- مفهوم‌شناسی یهود

«یهود» واژه‌ای مشتق و از ریشه «هود» به معنای «حرکت به سوی راحتی و طلب آن، و در عین حال، درخواست آرامش و طمأنینه» است (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱: ۲۹۴). از همین رو، در علت تسمیه یهود به این نام، گفته می‌شود که یهودیان به هنگام قرائت تورات به آرامی حرکت می‌کردند و به همین سبب، به «یهود» موسوم شدند (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۸۴۷).

این واژه درباره رجوع و توبه نیز به کار رفته که از لفظ «هَادَ يَهُود» به معنای «توبه کردن و به سوی حق برگشتن» است (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۷۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۸۴۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۴۳۹؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱: ۲۹۴ و طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۶۹). چنان که آیه شریفه از قول یهودیان می‌فرماید: ﴿إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ: ما به سوی تو توبه می‌کنیم﴾ (الأعراف/ ۱۵۶). یعنی: «و باز می‌گردیم؛ برگشت همراه با نرمی» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۸۴۶). به همین سبب، در وجه تسمیه دوم گفته می‌شود که آنان از عبادت گوساله پرستی توبه کرده، به سوی حق بازگشتند و از همین رو، به «یهود» معروف شدند. برخی لغت‌شناسان معتقدند که لفظ «هود» جمع «هائد» است و مراد، کسانی هستند که یهودی شدند و به دین یهودیت داخل شدند. «هادوا تهودوا»، یعنی به دین یهودیت داخل شد (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۱۶۸ و مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱: ۲۹۵). چنان که همین معنی در آیه ﴿وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ...﴾ (الأنعام/ ۱۴۶)، وارد شده است. در حدیث نیز به این معنی اشاره شده است: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّىٰ يَكُونَ أَبُوَاهُ يَهُودًا نَهْ وَيَنْصِرَانَهُ وَيَمَجْسَانَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۱۳) صاحب کتاب التحقیق نیز معتقد است که کلمه «یهود» از ریشه «هود» و از لغت عبری مأخوذ است (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱: ۲۹۴).

یهود یا قوم یهود اصطلاحی است مترادف با عبرانیان و اسرائیلیان که برای معرفی اخلاف قبایل اسرائیل متدین به دین حضرت موسی<sup>(ع)</sup> یا دین یهود به کار می‌رود (ر.ک؛ خرّمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۳۸۲). به طور کلی، هود و مشتقات آن ۳۰ بار در قرآن کریم

ذکر شده است. در قرآن، ۸ بار «الیهود» در ۳ سوره (ر.ک؛ البقره/ ۱۱۳ و ۱۲۰؛ المائده/ ۱۸، ۵۱، ۶۴، ۸۲ و التوبه/ ۳۰) و یک بار وصف یهودیاً به کار رفته است ﴿مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (آل عمران/ ۶۷).

## ۲- ویژگی‌های اخلاقی یهودیان

### ۲-۱) نخوت و نژادپرستی

یکی از خصلت‌های ناپسند قوم یهود، تعصب نژادی است. اگرچه ویژگی مذکور کمابیش در اقوام دیگر هم وجود داشته، اما به شدت یهود نبوده است. در واقع، خودبزرگ‌بینی و نژادپرستی از صفات زشت و نکوهیده‌ای است که یهودیان در طول تاریخ به آن متصف بوده‌اند؛ چراکه آنان به خود به عنوان قله بشریت و سرآمد کل انسان‌ها می‌نگرند! از این رو، به ملت‌های غیریهود با نگاه تحقیرآمیز و آلوده به توهین نگاه می‌کنند. آن‌ها خود را ملت برگزیده خداوند و سایر ملت‌ها را حیوانات انسان‌نما می‌دانند (ر.ک؛ مؤمنی، ۱۳۹۰: ۷۷). «قوم برگزیده» عنوانی است که در تورات و تلمود فراوان به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که مردم جهان به دو بخش اسرائیلی و غیراسرائیلی تقسیم شده‌اند: «اعتقاد یهودیان به اینکه قوم برگزیده‌اند، مقوله‌ای اساسی در آیین یهود است و در تلمود آمده است که اسرائیل به دانه زیتون شباهت دارد، چون زیتون امکان آمیختن با دیگر مواد را ندارد» (ر.ک؛ مسیری، ۱۹۹۹م، ج ۵: ۷۲).

در واقع، قوم یهود با خودستایی و ادعاهای بی‌اساس خود، به هر گونه ظلم و ستم و حق‌کشی و هتک حرمت دست می‌زنند و به خود اجازه می‌دهند بر جان، ناموس و اموال دیگران دست‌درازی کنند. برخی از آنان به علت تکبر، مالکیت تمام اموال را حق مسلم خود بدانند و حق غیریهودی را به او باز نمی‌گردانند؛ چراکه در نظر آنان، فقط اموال و انفس یهود است که قابل احترام است: ﴿وَمِنَ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمَّتْ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا ذَلِكَ بَاطِلٌ لَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيْنِ سَبِيلٌ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ: وَ از اهل کتاب، کسی

است که اگر او را بر مال فراوانی امین شمرد، آن را به تو برگرداند و از آنان کسی است که اگر او را بر دیناری امین شمرد، آن را به تو نمی‌پردازد، مگر آنکه دائماً بر [سَر] وی به پا ایستی. این بدان سبب است که آنان [به پندار خود] گفتند: درباره کسانی که کتاب آسمانی ندارند، بر زیان ما راهی نیست؛ و بر خدا دروغ می‌بندند، با اینکه خودشان [هم] می‌دانند» (آل عمران/۷۵).

در این آیه شریفه، علت تمایل یهودیان به خیانت و باز نگرداندن اموال دیگران از زبان خودشان، یهودی نبودن طرف مقابل بیان شده است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۷۷۸). آنان غیر یهود را «امیین» می‌نامند و این از اعتقادات و صفات ذاتی یهود است که می‌گویند: «امانت بین یهودی و یهودی است و یهودی می‌تواند به اموال غیر یهود خیانت کند و آن را تصاحب نماید» (شاذلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۴۱۷). چون یهودیان خود را تافته‌ای جدا بافته می‌دانند و همه قبایل و افراد بشر را برده و غلام خویش تلقی می‌کنند. یکی از علل کارشکنی یهود در مقابل پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> هم این بود که دین اسلام فرقی بین عرب و عجم و یا یهود و نصاری نمی‌گذاشت، بلکه ملاک ارزش را تقوی می‌دانست و آنان با قبول اسلام نمی‌توانستند یهود را قوم برتر و دین یهود را دین برتر معرفی نمایند. بدین علت، نه فقط اسلام را نپذیرفتند، بلکه مانع پیشرفت روزافزون آن نیز می‌شدند و به بهانه‌های مختلف در مقابل پیامبر<sup>(ص)</sup> ایستادگی می‌کردند و با تمام قوا برای براندازی نظام نوپای اسلامی تلاش می‌کردند (ر.ک؛ بناب، ۱۳۸۹: ۳۲).

قرآن مجید برتری یهود و هر گروه دیگری را رد می‌کند و اعمال انسان را ملاک می‌داند: ﴿لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ [پاداش و کیفر] به دلخواه شما و به دلخواه اهل کتاب نیست! هر کس بدی کند، در برابر آن کیفر می‌بیند و جز خدا برای خود یار و مددکاری نمی‌یابد ﴿﴾ (البقره/۱۲۳).

## ۲-۲) پیمان شکنی

بی گمان پایبندی به پیمان‌ها و تعهدات، نشانه فضیلت و انسانیت و از مهم‌ترین ملاک‌های اخلاقی به شمار می‌رود. یهودیان مدینه با پافشاری بر کفر خود زمینه‌های ایمان را از بین بردند و رویاروی پیامبر اسلام قرار گرفتند و پیامبر<sup>(ص)</sup> بارها از آن‌ها پیمان گرفت، ولی آنان همواره پیمان شکستند. در آیات گوناگون، با تعبیرهای مختلف به پیمان شکنی مکرر یهودیان اشاره شده است؛ مثلاً: ﴿أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ و مگر نه این بود که [یهود] هرگاه پیمانی بستند، گروهی از ایشان آن را دور افکندند؟ بلکه [حقیقت این است که] بیشتر ایشان ایمان نمی‌آورند ﴿(البقره/۱۰۰). در تفسیر این آیه چنین آمده است: «منظور، پیمانی است که از یهودیان گرفتند که به پیامبر درس‌نخوانده - آخر زمان - ایمان بیاورند و کلمه "كَلَّمَا" لفظی است که اقتضای تکرار می‌کند؛ یعنی مکرر در مکرر پیمان شکنی کردند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۲۸).

از این رو، خدای سبحان در جایی دیگر از قرآن می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ﴾ (الأنفال/۵۶). مفسران در تفسیر آیه مذکور گفته‌اند: «كُلِّ مَرَّةٍ» آن چند دفعه‌ای است که رسول خدا<sup>(ص)</sup> با ایشان معاهده بست؛ یعنی: «یهودیان عهد خود را می‌شکنند در هر دفعه که تو با ایشان عهد ببندی و از خدا در شکستن عهد پروا ندارند، و یا از شما پروا نداشته، از شکستن عهد شما نمی‌ترسند و این خود دلیل بر این است که شکستن عهد از جانب یهودیان چند دفعه تکرار شده است» (طبری، بی‌تا، ج ۱: ۳۵۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۲۸ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۲۳۲). در واقع، حاصل سخن مفسران در تفسیر آیه مذکور این است که پیامبر<sup>(ص)</sup> بعد از هجرت به مدینه، مکرر با نقض عهد یهودیان مواجه می‌شد.

## ۳-۲) بهانه جویی

چنان‌که از برخی آیات قرآن مستفاد است، بنی‌اسرائیل بیش از دیگر اقوام، از پیامبران خود و پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> سؤال‌های بی‌جا و خواسته‌های نامعقول داشتند. در آیه ۱۵۳ سوره نساء آمده است که قوم یهود از حضرت موسی<sup>(ع)</sup> خواستند تا خداوند را به آنان نشان دهد: ﴿يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَآتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَانًا مُبِينًا: اهل کتاب از تو می‌خواهند که کتابی از آسمان [یکباره] بر آنان فرود آوری. البته از موسی بزرگتر از این را خواستند و گفتند: خدا را آشکارا به ما بنمای. پس به سزای ظلم ایشان، صاعقه آنان را فرو گرفت. سپس، بعد از آنکه دلایل آشکار بر ایشان آمد، گوساله را [به پرستش] گرفتند و ما از آن هم درگذشتیم و به موسی برهانی روشن عطا کردیم ﴿(النساء/ ۱۵۳). همچنین، در آیه ۶۱ سوره بقره، به خواسته‌های بنی‌اسرائیل درباره تنوع خوراکی‌ها اشاره شده است.

## ۴-۲) استکبار و نافرمانی

واژه «استکبار» از ریشه «کبر» و به معنای «برترجویی» (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰: ۱۸)، امتناع از پذیرش حق از روی عناد و تکبر است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۶۹۷). ماجرای نافرمانی و حق‌ناپذیری قوم یهود و سرپیچی از دستورهای الهی در بخش‌های گوناگون کتاب مقدس بیان شده است، به گونه‌ای که بخش درخور توجهی از عهد عتیق به این موضوع اختصاص یافته است. در سفر تثبیه، حضرت موسی<sup>(ع)</sup> درباره بنی‌اسرائیل می‌گوید: «اگر امروز در میان ایشان هستم، نسبت به خداوند این چنین یاغی شده‌اند، پس از مرگ من چه خواهند کرد؟!». آنگاه خطاب به آنان می‌گوید: «می‌دانم که پس از مرگ من، خود را به کلی آلوده کرده، از دستورهایی که به شما داده‌ام، سرپیچی خواهید کرد» (سفر تثبیه ۳۱: ۱۷-۲۹).

استکبار و سرپیچی یهود از دستورهای الهی در آیات متعددی از قرآن کریم نیز یادآوری شده است. خداوند علت تکذیب انبیای الهی از سوی بنی اسرائیل را تکبر و استکبار آنان معرفی کرده است، با وجود آنکه حضرت موسی<sup>(ع)</sup> همراه با معجزه‌های فراوان و کتاب آسمانی به سوی آنان فرستاده شد، یهودیان از سر تکبر و هواپرستی از ایمان به او و نیز پیامبران دیگر سر باز زدند تا جایی که حتی گروهی از انبیای الهی را به قتل رساندند. در آیه ۸۷ از سوره بقره، ضمن توجه دادن به هواپرستی یهود، به استکبار آنان در برابر پیامبران الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ﴿... وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ قَفَيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ آيَدْنَاهُ بَرُوحَ الْقُدُسِ اَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى اَنْفُسَكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ: ما به موسی کتاب دادیم و پیامبرانی در پی او فرستادیم و به عیسی بن مریم معجزه‌هایی دادیم و او را با روح القدس تأیید کردیم. آیا این درست است که هر وقت رسولی به سوی شما آمد و کتابی آورد که باب میل شما نبود، استکبار بورزید، طایفه‌ای از فرستادگان را تکذیب نمایید و طایفه‌ای را بقتل برسانید؟!﴾

از این آیه شریفه به خوبی استفاده می‌شود که هرگاه قوانین الهی و پیام‌های رسولان او با خواهش‌های نفسانی یهود مطابقت نداشت، از پذیرش آن سر باز زده‌اند و سرکشی نموده‌اند و سرکشی و استکبار آنان موجب شده برخی از پیامبران الهی را تکذیب کنند و برخی دیگر را به قتل برسانند (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۱: ۳۴۱).

## ۲-۵) حسادت

یکی دیگر از ویژگی‌های بارز یهودیان، حسادت آنان است. یهودیان قبل از بعثت پیامبر<sup>(ص)</sup> هنگام درگیری با طایفه اوس و خزرج آن‌ها را تهدید می‌کردند که به زودی پیامبری از طرف خدا برانگیخته می‌شود و ما به کمک او بر شما غلبه خواهیم کرد، اما پس از بعثت پیامبر<sup>(ص)</sup>، به پیامبر کفر ورزیدند و آنچه را درباره پیامبر<sup>(ص)</sup> گفته بودند، منکر شدند و قبایل عرب که در جاهلیت با یهود عداوت و دشمنی داشتند، احوال و صفات پیامبر<sup>(ص)</sup> را از ایشان می‌شنیدند و مسلمان می‌شدند، ولی یهودیان از روی حسد



خود اسلام نیاوردند (ر.ک؛ همدانی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۸۶). آنگاه خدای تعالی در حق ایشان این آیه را فرو فرستاد: ﴿وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ: و چون کتابی از نزد خدا برایشان آمد، کتابی که کتاب آسمانی ایشان را تصدیق می‌کرد و قبلاً هم علیه کفار آرزوی آمدنش را داشتند، او را تکذیب کردند. آری، بعد از آمدن کتابی که آن را می‌شناختند، بدان کفر ورزیدند! پس لعنت خدا بر کافران!﴾ (البقره/ ۸۹).

در آیه ۹۰ سوره بقره نیز آمده است: ﴿بِسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَعِيًّا أَنْ يُنَزَّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبِأُؤُوا بِغَضَبِ اللَّهِ غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ: ولی آنها در مقابل بهای بدی، خود را فروختند که به ناروا به آیاتی که خدا فرستاده بود، کافر شدند؛ و معترض بودند که چرا خداوند به فضل خویش، بر هر کس از بندگانش بخواهد، آیات خود را نازل می‌کند؟! از این رو، به خشمی بعد از خشمی (از سوی خدا) گرفتار شدند؛ و برای کافران مجازاتی خوارکننده است﴾.

علامه طباطبائی ذکر کرده است که آیه ۹۰ سوره بقره علت کفر یهود را با وجود علمی که به حقانیت اسلام داشتند، بیان می‌کند و آن را منحصرأ حسد و ستم‌پیشگی می‌داند. حاصل معنای آیه این است که یهودیان قبل از بعثت رسول خدا<sup>(ص)</sup> و هجرت او به مدینه، پشتیبان آن حضرت بودند و همواره آرزوی بعثت او و نازل شدن کتاب او را می‌کشیدند، ولی همین که رسول خدا<sup>(ص)</sup> مبعوث شد و به سوی ایشان مهاجرت کرد و قرآن بر وی نازل شد، با اینکه او را می‌شناختند که او همان کسی است که سال‌ها آرزوی بعثت و هجرت او را می‌کشیدند، اما حسد بر آنان چیره شد و به وی کفر ورزیده، گفته‌های سابق خود را انکار کردند، همان‌گونه که به تورات خود کفر ورزیدند و کفر ایشان به اسلام، کفری بالای کفر شد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱: ۲۲۲).

حسادت یهود به آن حضرت، نه تنها مانع ایمان و اسلام آنان شد، بلکه یهودیان تمایل داشتند هیچ کس به اسلام و حضرت محمد<sup>(ص)</sup> ایمان نیاورد و اگر ایمان آورد، کافر شود:

﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتَمُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: و دوست داشتند کثیری از اهل کتاب، اگر شما را بعد از ایمان، کفار کنند، حسد از درون خود، بعد از آنکه حق بر آنها روشن شد، پندارند و صبر کنند تا آنکه خداوند امری بفرستد که بر هر چیزی قوی است﴾.

بسیاری از اهل کتاب دوست دارند و آرزو می‌کنند که ای کاش می‌توانستند شما را بعد از آنکه ایمان آوردید، به کفر برگردانند و این آرزو را از درِ حسد در دل می‌پرورند، بعد از آنکه حق برای خود آنان نیز روشن گشت. پس فعلاً آنان را عفو کنید و نادیده بگیرید تا خدا امر خود را بفرستد که او بر هر چیز قادر است ﴿البقره/ ۱۰۹﴾.

### ۳- شبهه تغییر قبله

این اعتراض و شبهه هم مربوط به زمانی می‌شد که قبله مسلمانان، بیت‌المقدس بود و هم مربوط به زمانی بود که قبله مسلمانان به سوی کعبه تغییر یافت. آیات ۱۴۲ تا ۱۵۱ سوره بقره به معارضات یهود قبل از تغییر قبله و ماجراهای بعد از تغییر قبله اشاره دارد. علاوه بر این آیات، در آیات ۷۲ تا ۷۴ سوره آل عمران نیز به قضیه اعتراض یهود بعد از تغییر قبله و پاسخ‌های خداوند به آنان اشاره شده است. در باب تغییر قبله، خداوند قبل از اینکه یهودیان شبهه خود را مطرح کنند، هم شبهه آنان را ذکر می‌فرماید و هم پاسخ ایشان را ارائه می‌کند تا حجت بر یهودیان تمام شود. در این پژوهش، ابتدا معارضات یهود قبل از تغییر قبله بررسی، و پاسخ‌های قرآن آورده شده است و آنگاه به معارضات یهود بعد از تغییر قبله پرداخته شده است.

#### ۳-۱) معارضه یهود قبل از تغییر قبله

قبل از تغییر قبله از بیت‌المقدس به کعبه، یهودیان به مسلمانان فخر می‌فروختند که شما قبله مستقلی ندارید. با چنین فخر فروشی‌هایی بود که آنان شبهه‌هایی را بر پیکره دین اسلام وارد کردند. در باب شأن نزول آیات تغییر قبله در تفاسیر روایی و کتاب‌های اسباب نزول چنین آمده است که یهودیان با تبلیغات مختلفی چنین بر سر زبان‌ها انداخته بودند که اگر محمد<sup>(ص)</sup> دین جدیدی عرضه کرده که ناسخ آیین‌های گذشته است، پس چرا قبله مستقلی ندارد و بر قبله یهودیان نماز می‌گزارد؟ رسول خدا<sup>(ص)</sup> از این باب ناراحت شد و قبله حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> را نیز دوست داشت. پس از این بود که آیه ۱۴۴ سوره بقره نازل شد (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۱۴؛ واحدی، ۱۴۱۱ق: ۴۶، بیهقی،

۱۴۰۵ق.، ج ۲: ۵۷۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق.، ج ۱: ۱۶؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق.، ج ۱: ۳۳۰ و فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۴: ۹۴): ﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾. از همین رو، آیه شریفه قبله جدیدی را برای مسلمانان معین کرد و سرزنش یهود و تفاخر آنان را خاتمه بخشید. آیات قرآن درباره این معارضه یهود، مشتمل بر پنج پاسخ زیر است.

### ۳-۱-۱) آگاهی اهل کتاب از حق بودن تغییر قبله

خداوند در پاسخ اول می‌فرماید: اهل کتاب می‌دانند که این برگشتن قبله، حق و از ناحیه خداوند است، چون کتب آسمانی ایشان به صراحت نبوت رسول خدا<sup>(ص)</sup> را پیشگویی کرده بود. این قضیه یا به صورت دلالت مطابقی است و از نشانه‌های چنین دلالتی این است که قبله امت خود را به سوی کعبه برمی‌گرداند و یا به صورت دلالت ضمنی است؛ یعنی رسول گرامی اسلام، پیامبری صادق است و هر کاری بکند، درست و حق است و از طرف پروردگار عالم می‌کند و خداوند از اینکه اهل کتاب حق را کتمان و علمی که به کتاب خود دارند، اظهار نموده‌اند، غافل نیست (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱: ۳۲۶). درباره این مسئله که مخاطب «الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» چه کسانی هستند، دو قول مطرح شده است: ۱- علمای یهود و نصاری، ۲- یهودیان (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق.، ج ۲: ۱۵؛ طوسی، بی‌تا)، ج ۲: ۱۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۲۱؛ ابن عطیة اندلسی، ۱۴۲۲ق.، ج ۱: ۲۲۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق.، ج ۱: ۱۲۱ و ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق.، ج ۱: ۲۲۱).

### ۳-۱-۲) پیروی اهل کتاب از هوی و هوس

پاسخ دوم قرآن، در آیه ۱۴۵ سوره بقره آمده است که می‌فرماید: ﴿وَلَيْنِ اتَّيْتِ الدِّينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتِهِمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَ لَيْنِ اتَّبَعْتِ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ﴾. و اگر هر گونه معجزه‌ای برای اهل کتاب بیاوری، [باز] قبله تو را پیروی نمی‌کنند، و تو [نیز] پیرو قبله

آنان نیستی، و خود آنان نیز پیرو قبله یکدیگر نیستند، و پس از علمی که تو را [حاصل] آمده، اگر از هوس‌های ایشان پیروی کنی، در آن صورت جداً از ستمکاران خواهی بود.<sup>(ک)</sup>

در این آیه، قرآن کریم مخالفت آنان با دعوت پیامبر<sup>(ع)</sup> را به دو دلیل دانسته است: نخست لجاجت و عناد ایشان در برابر حق، چون آنان علم یقینی دارند به اینکه دعوت پیامبر<sup>(ع)</sup>، حق است. دوم اینکه آنان (یهودیان و نصاری) به سبب پیروی از هوی و هوس، قبله یکدیگر را قبول ندارند، چه رسد به اینکه از قبله جدید پیامبر<sup>(ص)</sup> تبعیت کنند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۲۶).

### ۳-۱-۳) شناخت اهل یهود از رسول خدا<sup>(ص)</sup> همچون شناخت فرزندان

در آیه ۱۴۶ سوره بقره که به نوعی پاسخ سوم برای یهودیان می‌باشد، خداوند می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتَرَفُونَ كَمَا يَتَرَفُونَ آبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾.

در واقع، آیه مزبور چنین می‌فرماید که اهل کتاب پیامبر اسلام را می‌شناسند، آن گونه که فرزندان خود را می‌شناسند. این مسئله بدین سبب است که تمام خصوصیات آن حضرت را در کتب خود دیده‌اند، ولی با این حال، طایفه‌ای از ایشان به صورت عالمانه و عمدی معلومات خود را کتمان می‌کنند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۲۶). برخی مفسران گفته‌اند علت اینکه در آیه ﴿إِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ﴾، فقط طایفه‌ای از آن‌ها ذکر شده که حق را کتمان می‌کنند و بدین دلیل است که بعضی از یهودیان مانند عبدالله بن سلام، کعب‌الأحبار و غیر آن‌ها دین اسلام را پذیرفتند و بدان ایمان آوردند (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۲: ۲۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۲ و زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۰۴).

### ۳-۱-۴) قراردادی و اعتباری بودن امر قبله

در آیه ﴿وَلِكُلِّ وُجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيٰهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (البقره / ۱۴۸)، خداوند به صورت خلاصه نوعی نتیجه‌گیری از بحث قبله کرده است و فرموده که قبله، یک امر قراردادی و اعتباری است و امر تکوینی نیست تا تغییر و تحول نپذیرد و هر قومی برای خود قبله‌ای دارد که بر حسب اقتضای مصالح، برای ایشان تشریح شده است. به همین سبب، از نظر قرآن مشاجره و بحث درباره این قضیه، فایده‌ای برای هیچ کس ندارد، بلکه باید به دنبال خیرات بشتابید و از یکدیگر سبقت بجوید (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱: ۳۲۸).

### ۳-۱-۵) اتمام حجت یهودیان

پاسخ پنجم در آیه ۱۵۰ سوره بقره آمده است که می‌فرماید: ﴿وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَ لِيَأْتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ: و از هر کجا بیرون آمدی، [به هنگام نماز] روی خود را به سوی مسجدالحرام بگردان و هر کجا بودید، روی‌های خود را به سوی آن بگردانید تا برای مردم - غیر از ستمگرانشان - بر شما حجتی نباشد. پس، از آنان ترسید و از من بترسید تا نعمت خود را بر شما کامل گردانم و باشد که هدایت شوید.﴾

در واقع، چون یهودیان در کتاب‌های آسمانی خود خوانده بودند که قبله پیامبر<sup>(ص)</sup> کعبه است و بیت المقدس نیست، چنان که قرآن کریم در آیه ۱۴۴ سوره بقره (وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ... مِنْ رَبِّهِمْ) از این جریان خبر داده بود و اگر حکم تحویل قبله نازل نمی‌شد، حجت یهود علیه مسلمانان تمام می‌شد؛ یعنی می‌توانستند بگویند این شخص پیامبری نیست که انبیاء گذشته، وعده آمدن او را داده بودند، ولی بعد از آمدن حکم تحویل قبله و التزام به آن و عمل بر طبق آن، حجت آنان را از دست ایشان می‌گیرد، مگر افراد ستمگری از ایشان که چون تابع هوی و هوس هستند، به اعتراض بیجای خود ادامه می‌دهند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱: ۳۲۹).

### ۲-۳) اعتراض‌های یهود بعد از تغییر قبله

یهودیان پس از تغییر قبله نیز بهانه‌جویی کردند و با پیامبر<sup>(ص)</sup> معارضه کردند. در این زمان، شبهاتی مطرح گردید و خداوند نیز پاسخ شبهات آنان را از طریق وحی آسمانی داده است.

### ۱-۲-۳) شبهه اول بعد از تغییر قبله: محال دانستن تغییر قبله از طرف خدا به دلیل اعتقاد نداشتن به نسخ

چون یهودیان اعتقادی به نسخ نداشتند و آن را محال می‌دانستند، به پیامبر<sup>(ص)</sup> اعتراض کردند و گفتند تغییر قبله از جانب خداوند محال است و اگر این کار به دست شما تغییر یافته، از هدایت خداوند منحرف شده‌اید. این شبهه در آیه ۱۴۲ سوره بقره مطرح شده است: ﴿سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا...﴾ به زودی مردم کم‌خرد خواهند گفت: چه چیز آنان را از قبله‌ای که بر آن بودند رویگردان کرد؟». در شأن نزول آیه ذکر شده زمانی که قبله از بیت‌المقدس به کعبه تغییر یافت، چند تن از بزرگان یهود نزد رسول خدا<sup>(ص)</sup> آمدند و گفتند: ای محمد! خداوند از قدیم بیت‌المقدس را برای انبیای گذشته‌اش قبله قرار داده بود. تحویل قبله به سوی کعبه که شرافت آن خانه را ندارد، چه وجهی دارد؟ چون یهودیان مسئله نسخ را محال می‌دانستند، به همین دلیل، مدت‌های زیادی بعد از تغییر قبله با مسلمانان و پیامبر<sup>(ص)</sup> مشاجره می‌کردند و می‌گفتند اگر این کار به امر خداست که خود، بیت‌المقدس را قبله کرده بود، پس چگونه خودش حکم خود را نسخ می‌نماید؟ همچنین، اگر پیامبر<sup>(ص)</sup> این کار را انجام داده، پس پیامبر<sup>(ص)</sup> از صراط مستقیم منحرف و از هدایت خدا به سوی ضلالت گراییده است! (ر.ک؛ ابن هشام، بی تا، ج ۱: ۵۵۰؛ طبری، ۱۴۱۲ق.، ج ۲: ۳؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق.، ج ۱: ۳۲۶ و سیوطی، بی تا، ج ۱: ۱۶). خداوند برای شبهه یهودیان سه پاسخ داده که دو پاسخ در آیه ۱۴۲ و ۱۴۳ سوره بقره آمده است و پاسخ سوم نیز در آیات ۹۶ و ۹۷ سوره آل عمران ذکر شده است.

### ۳-۲-۱) شرافت نداشتن جهات در نزد خداوند

پاسخ اول در آیه ۱۴۲ سوره بقره آمده است: ﴿... قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ...﴾ بگو: مشرق و مغرب از آن خداست. هر که را خواهد، به راه راست هدایت می‌کند. خداوند در این پاسخ خود، خطاب به یهودیان می‌فرماید: جهات مختلف هیچ یک شرافتی بر دیگری ندارند و آنچه به آن‌ها شرافت و کرامت می‌دهد، انتخاب الهی است و خدا زمانی که مکانی را برای قبله و جهت توجه بندگانش برگزید، پس آن مکان به شرف قبله بودن مشرف می‌شود و هر کس بدان سو رو کند، بر مسیر مستقیم هدایت سیر کرده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱: ۳۱۸). در واقع، با این آیه، خداوند سخن کسانی را که گمان می‌کردند «بیت المقدس» از «کعبه» شریف‌تر است، آن هم به این علت که آنجا وطن پیامبران بوده است و خداوند آن را شرافت و عظمت مخصوص بخشیده است و بنابراین، دلیلی نیست که از آن روی برگردانند، باطل و مردود ساخت. از نظر خداوند همه مکان‌ها مُلک خداست و هر یک از آن‌ها را هر زمان که بخواهد، طبق مصلحت و حکمت خود، شرافت و عظمت می‌بخشد (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۲: ۵ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۱۳).

### ۳-۲-۲) میانه‌روی در امت اسلام

پاسخ دوم یهودیان در آیه ۱۴۳ سوره بقره مطرح شده است: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ...﴾ و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد. خداوند در این پاسخ خود می‌فرماید که امت حضرت محمد<sup>(ص)</sup> را در حد تعادل و وسط قرار داد، چون مشرکان به معاد و خدا اعتقادی ندارند و غرق در مادیات می‌باشند و یهودیان نیز مانند مشرکان غرق در مادیات و زرپرستی بودند و برعکس، نصاری به سوی رهبانیت میل دارند و کلیه کمالات مادی را که خداوند آن‌ها را در نشئه بشر قرار داده است، رها کرده‌اند. اما امت اسلام به تحقیق بین این دو، کمال و سعادت را جمع نموده‌اند و مادیات و معنویات را در حد اعتدال برگزیده‌اند. پس اسلام، امتی متعادل و میانه است که هر دو طرف با آن

سنجیده می‌شوند. لذا این امت، شهید و گواه بر سایر امم است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۲۰).

### ۳-۲-۱-۳) کعبه، نخستین خانه عبادت خلق خدا

پاسخ سوم در آیات ۹۶ و ۹۷ سوره آل عمران ذکر شده است: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ...﴾ در حقیقت، نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم، بنا نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک، و برای جهانیان [مایه] هدایت است. در آن، نشانه‌هایی روشن است؛ [از جمله] مقام ابراهیم است... ﴿...﴾. یهودیان به دلیل نداشتن اعتقاد به نسخ می‌گفتند چگونه ممکن است در ملت ابراهیم، مکه تبدیل به قبله شود، با اینکه خدای تعالی در این ملت، بیت المقدس را قبله کرده است. آنان می‌گفتند آیا این سخن غیر از نسخ چیز دیگری است؟ با اینکه نسخ در ملت حقه ابراهیم، محال و باطل است. قرآن کریم در پاسخ به آنان گفته است که کعبه قبل از سایر معابد برای عبادت ساخته شده، چون این خانه را حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> ساخت و بیت المقدس را سلیمان بنا نهاد که قرن‌ها بعد از حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> بوده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۳۵۰). مفسران دیگر نیز در تفسیر آیه فوق اشاره کرده‌اند بر اینکه خانه‌های بسیاری قبل از مکه بود، ولی اولین خانه‌ای که برای عبادت و برکت وضع شد، مکه است (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۲: ۵۳۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۷۹۷ و زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۸۷). ابوذر روایت کرده که از پیامبر<sup>(ص)</sup> پرسیدند: اولین مسجدی که برای مردم بنا شد، کدام بود؟ آن حضرت فرمودند: مسجد الحرام، سپس بیت المقدس (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۷۹۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۸۷؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۶۶ و سیوطی، بی تا، ج ۲: ۵۲).



### ۲-۲-۳) شبهه دوم بعد از تغییر قبله: ایمان آوردن به هنگام بامدادان، کفرورزی در پایان روز و فاش نکردن راز تغییر قبله و محاجه مسلمانان علیه یهودیان

یهودیان بعد از تغییر قبله به یکدیگر می‌گفتند به آنچه در بامدادان نازل شده، ایمان بیاورید و به آنچه در آخر روز آمده، کافر شوید و بشارت تغییر قبله را به مسلمانان نگوید تا آن‌ها به سوی حق هدایت نشوند. همچنین می‌گفتند: اگر راز تغییر قبله را فاش کنید و مسلمانان به سوی کعبه نماز گزارند، آنان نیز همانند شما از افتخار داشتن قبله برخوردار خواهند شد و می‌ترسیدند که اگر راز تغییر قبله را فاش کنند، مسلمانان علیه آنان در نزد خدا محاجه کنند. این شبهه در آیات ۷۲ و ۷۳ سوره آل عمران آمده است:

﴿وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهُ النَّهَارِ وَاکْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ \* وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيْتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ و جماعتی از اهل کتاب گفتند: در آغاز روز به آنچه بر مؤمنان نازل شد، ایمان بیاورید و در پایان [روز] انکار کنید! شاید آنان [از اسلام] برگردند، جز به کسی که دین شما را پیروی کند، ایمان بیاورید. \* بگو: هدایت، هدایت خداست. مبادا به کسی نظیر آنچه به شما داده شده، داده شود یا در پیشگاه پروردگارتان با شما محاجه کنند. بگو: [این] تفضل به دست خداست. آن را به هر کس که بخواهد، می‌دهد و خداوند، گشایشگر داناست». این شبهه یهودیان ترکیبی از سه شبهه است:

### ۱-۲-۲-۳) شبهه اول: ایمان آوردن در آغاز روز و انکار آن در پایان روز

شبهه اول یهودیان در آیه ۷۲ سوره آل عمران ﴿وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهُ النَّهَارِ وَاکْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ \* و قسمت اول آیه ۷۳ همان سوره: ﴿... وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ...﴾ آمده است. آنان می‌گفتند: در آغاز روز بر آنچه بر مسلمانان نازل شده است، ایمان بیاورید و در آخر روز انکار کنید تا مسلمانان از اسلام برگردند. در اسباب نزول واحدی در باب شأن نزول آیات مذکور دو

قول مطرح شده است: الف) گروهی از یهودیان به یکدیگر می‌گفتند اول صبح اظهار ایمان کنید و آخر روز برگردید و به مسلمانان بگویید که با علمای خود مشورت کردیم و به کتاب ما تورات رجوع کردیم و به این نتیجه رسیدیم که حضرت محمد<sup>(ص)</sup> فرستاده خدا نیست و بطلان و کذب او بر ما آشکار شده است و این کار بهتر می‌تواند آنها را از اسلام بگرداند. ب) یهودیان به هم می‌گفتند اول روز به کعبه نماز گزارید و آخر روز برگردید تا آنان از دین خود برگردند. خداوند نیز حضرت محمد<sup>(ص)</sup> را از مکر آنان بر حذر داشت و راز آنان را در قرآن فاش کرد و پاسخ‌های خود را به آنان داد (ر.ک؛ واحدی، ۱۴۱۱ق: ۱۱۱).

علامه طباطبائی دو روایت مذکور را ذکر کرده است و آنگاه گفته هر چند چنین اقدامی از یهودیان که همواره در حال توطئه علیه اسلام بوده‌اند، بعید نیست، ولی الفاظ آیه و نیز روایتی که در شأن نزول این آیات از ائمه<sup>(ع)</sup> آمده، با چنین برداشتی انطباق ندارد، بلکه مقصود مورد نظر ما، یعنی تغییر قبله را تأیید می‌کند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۲۵۷). از جمله روایاتی از ائمه که سخن علامه را به نوعی تأیید می‌کند، از امام محمد باقر<sup>(ع)</sup> است که می‌فرماید: «هنگامی که پیامبر خدا وارد مدینه شد، به سوی بیت المقدس نماز خواند. یهودیان خیلی خوشحال شدند و پس از آنکه خداوند قبله را در وسط نماز ظهر از بیت المقدس به سوی کعبه تغییر داد. یهودیان سخت ناراحت شدند و گفتند حضرت محمد<sup>(ص)</sup> نماز صبح را به طرف بیت المقدس (قبله ما) خواند و همه شما یهودیان به این دستور که در اول روز بر حضرت محمد<sup>(ص)</sup> نازل شد، ایمان بیاورید و به آنچه در آخر روز نازل شد، کفر بورزید. منظور آنها از آنچه در آخر روز نازل شد، همان تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه است (ر.ک؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۰۵). علامه طباطبائی شبهه یهودیان را تبیین کرده است و دلایلی برای سخن خود آورده که با توجه به سیاق آیات و روایات از ائمه و نیز با توجه به آیه بعدی ﴿... وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ...﴾ و [گفتند:] جز به کسی که دین شما را پیروی کند، ایمان نیاورید<sup>(ص)</sup>، می‌توان گفت که منظور یهود این است که به یکدیگر می‌گفتند: پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> و مؤمنان او را در نماز خواندن به سوی بیت المقدس در اول روز (نماز صبح) تصدیق کنید، ولی نماز

خواندن به طرف کعبه در آخر روز را تصدیق نکنید و در آشکار ساختن این راز به غیر خودتان اعتماد نکنید و به هیچ عنوان مسلمانان را آگاه نکنید که یکی از شواهد نبوت پیامبر موعود، تغییر قبله از بیت‌المقدس به سوی کعبه است؛ زیرا اگر موضوع تغییر قبله را تصدیق کنید و آنچه از کتاب آسمانی خود می‌دانید به مسلمانان بگویید و دلایل درستی نبوت پیامبرشان را آشکار نمایید، مسلمانان نیز همانند شما صاحب قبله خواهند شد. در این صورت، سیادت شما از میان خواهد رفت و دیگر نمی‌توانید در میان ملت‌های مختلف دنیا افتخار کنید که تنها شما صاحب قبله هستید (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۲۵۷).

#### پاسخ شبهه هدایت مؤمنان، هدایت حق است

پاسخ شبهه اول یهود در آیه ۷۳ سوره آل عمران آمده است: ﴿قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ: بگو: هدایت، هدایت خداست﴾. قرآن کریم به معارضه یهود چنین پاسخ داده که هدایتی که مؤمنان به آن نیازمندند، هدایت حق است که همان هدایت خدای متعال می‌باشد و نه هدایت شما! بنابراین، مؤمنان به هدایت شما نیازی ندارند، شما به فکر خویش باشید و اگر می‌خواهید از هدایت خداوند بهره‌مند شوید و اگر نمی‌خواهید در کفر خود باقی بمانید، بشارت تغییر قبله را آشکار کنید (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۲۵۸).

#### ۲-۲-۳) شبهه دوم: برخوردار شدن مسلمانان از داشتن قبله به سبب فاش شدن راز تغییر قبله

یهودیان به یکدیگر می‌گفتند اگر راز تغییر قبله را فاش کنید و مسلمانان به سوی کعبه نماز گزارند، آنان نیز همانند شما از افتخار داشتن قبله برخوردار خواهند شد. در هر حال، معارضه دوم آنان در آیه ۷۳ سوره آل عمران مطرح شده است: ﴿... أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدًا مِّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ...: مبادا به کسی نظیر آنچه به شما داده شده، داده شود﴾. در واقع، یهودیان حيله می‌کردند به اینکه وانمود کنند نازل شدن کتاب و عطیه الهی اختصاص به ایشان دارد و به

یکدیگر سفارش می کردند مبدا بشارت‌های تورات را که از آمدن پیامبر اسلام و برگشتن قبله خبر داده، به مسلمانان بگویند، بلکه باید آن‌ها را کتمان کنید تا به جهانیان القا کنیم که نازل شدن کتاب، تنها حق ماست و حقی است که ما آن را از خدا طلبکار بوده‌ایم و او هم به ما داده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۳: ۲۵۹).

### پاسخ شبهه بودن فضل در اختیار خداوند

پاسخ یهودیان در آیات ۷۳ و ۷۴ سوره آل عمران ذکر شده است: ﴿... قُلْ إِنْ أَلْفُ فَضْلٍ يَبْدِ اللَّهُ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ، يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ: بگو: [این] تفضل به دست خداست؛ آن را به هر کس که بخواهد، می دهد و خداوند، گشایشگر دانا است. رحمت خود را به هر کس که بخواهد، مخصوص می گرداند، و خداوند صاحب بخشش بزرگ است. ﴿... خدای تعالی با یک قیاس منطقی و به اصطلاح با یک صغری و کبری اثبات کرده که این نیرنگ‌ها باطل است و می فرماید «کتاب آسمانی، فضل است» و «فضل به دست خداست» که ملک عالم و فرمانروایی در آن، خاصّ اوست. پس او می تواند فضل خود را به هر کس بخواهد، ارزانی کند و نه خزینة اش کم می آید و نه از حال خلق خود ناآگاه است (ر.ک؛ همان: ۲۶۰).

### ۳-۲-۲-۳ شبهه سوم: محاجه مسلمانان علیه یهودیان

یهودیان به یکدیگر می گفتند می ترسیم اگر راز تغییر قبله را فاش کنیم، مسلمانان علیه ما نزد خداوند محاجه کنند. شبهه آنان در آیه ۷۳ سوره آل عمران مطرح شده است: ﴿... يُحَاجُّوْكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ...: در پیشگاه پروردگارتان با شما محاجه کنند. ﴿...﴾

### پاسخ شبهه: پاسخ ندادن خداوند به آنان به دلیل آشکار بودن بطلان سخن ایشان

خداوند به این شبهه آنان پاسخی نداده است؛ زیرا بطلان این سخن آنقدر روشن است که نیازی به پاسخ ندارد. علامه سخن خود را مستند به آیات ۷۶ و ۷۷ سوره بقره

کرده که می‌فرماید: ﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِغَضُوبِهِمْ إِلَىٰ بَعْضِ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ، أَمْ فَلَا تَعْقِلُونَ، أَمْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ﴾. خداوند در این دو آیه نیز از دادن پاسخ به محاجه و بهانه‌جویی یهودیان اعراض نموده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۳: ۲۵۹).

### نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نتایج حاصل از پژوهش که پس از بررسی ویژگی‌های اخلاقی، رفتاری یهود و نیز تحلیل و بررسی شبهات مربوط به قبله و آنگاه نقد این شبهات به دست می‌آید، عبارتند از:

۱- یهودیان بعد از مهاجرت به جزیره‌العرب، به علت مشاهده قدرت و شوکت مسلمانان و به دلیل ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری خاصی مانند نخوت و نژادپرستی، پیمان‌شکنی، بهانه‌جویی، استکبار، نافرمانی و حسادت که داشتند، شروع به شبهه‌افکنی علیه پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> و مسلمانان کردند. بنابراین، بیشتر شبهات و معارضات یهودیان از ویژگی‌های قومی آنان سرچشمه گرفته است.

۲- شبهه تغییر قبله هم مربوط به زمانی می‌شد که قبله مسلمانان بیت‌المقدس بود و هم مربوط به زمانی بود که قبله مسلمانان به سوی کعبه تغییر پیدا کرد.

۳- از جمله معارضه یهود قبل از تغییر قبله، فخرفروشی به مسلمانان مبنی بر داشتن قبله بود. با چنین فخرفروشی‌هایی بود که آنان شبهه‌هایی را بر پیکره دین اسلام وارد کردند که آیات قرآن درباره این معارضه یهود، مشتمل بر پنج پاسخ زیر است:

(الف) آگاهی اهل کتاب از حق بودن تغییر قبله.

(ب) پیروی اهل کتاب از هوی و هوس.

(ج) شناخت اهل یهود از رسول خدا<sup>(ص)</sup> همچون شناخت فرزندانشان.

(د) قراردادی و اعتباری بودن امر قبله.

(ه) اتمام حجّت یهودیان.

۴- یهود بعد از تغییر قبله نیز شبهات و اعتراض‌هایی را وارد کردند که شامل دو بخش بود: الف) محال دانستن تغییر قبله از طرف خدا به دلیل عدم اعتقاد به نسخ. ب) ایمان آوردن به هنگام بامدادان، کفرورزی در پایان روز و فاش نکردن راز تغییر قبله و محاجه مسلمانان علیه یهودیان است و هر یک نیز شامل زیربخش‌هایی می‌شود که همراه با پاسخ‌هایی قرآنی آورده شد.

### پی‌نوشت‌ها

۱- برخی مفسران مذکور، مانند طبری، طبرسی و ابن عطیة اندلسی هر دو قول را آورده‌اند، بدون اینکه هیچ یک را بر دیگری ترجیح دهند. نظر ابن جوزی بر قول اول است و برخی مفسران دیگر، مانند طوسی و ابن کثیر فقط قول دوم را آورده‌اند.

### منابع و مأخذ

#### قرآن کریم.

#### کتاب مقدس.

- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق.). *زاد المسیر فی علم التفسیر*. تحقیق عبدالرزاق المهدی. بیروت: دارالکتاب العربی.
- ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ق.). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*. تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹ق.). *تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق محمدحسین شمس‌الدین. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.
- ابن هشام، عبدالملک. (بی‌تا). *السیرة النبویة*. تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلیبی. بیروت: دارالمعرفة.
- بناب، علی جدید. (۱۳۸۹). *تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی<sup>(ره)</sup>.

- بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین. (۱۴۰۵ق.). *دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة*. تحقیق عبدالمعطي قلعجي. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- خرم‌شاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۷). *دانشنامه قرآن*. تهران: دوستان - ناهید.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *المفردات فی غریب القرآن*. تحقیق صفوان عدنان داودی. بیروت - دمشق: دارالعلم - الدار الشامیة.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق.). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتب العربی.
- سابق، سید. (۱۳۸۳). *یهودیان در قرآن*. ترجمه سید محمد شیخ احمدی. زاهدان: انتشارات حرمین.
- سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۰۴ق.). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- \_\_\_\_\_ . (بی تا). *لباب النقول*. به تحقیق احمد عبدالشافی. بیروت - لبنان: دارالکتب العلمیة.
- شاذلی، سید قطب بن ابراهیم. (۱۴۱۲ق.). *فی ظلال القرآن*. بیروت - قاهره: دارالشرق.
- طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی التفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی التفسیر القرآن*. به تحقیق محمدجواد بلاغی. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق.). *جامع البیان فی التفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفة.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. به تحقیق سید احمد حسینی. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طنطاوی، سید محمد. (۱۹۹۸م.). *بنو اسرائیل فی القرآن و السنة*. بی جا: بی نا.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *النبیان فی تفسیر القرآن*. به تحقیق احمد قیصر عاملی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق.). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق.). *کتاب العین*. قم: انتشارات هجرت.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). *تفسیر قمی*. به تحقیق طیب موسوس جزایری. قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق.). *الکافی*. به تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مسیری، عبدالوهاب. (۱۹۹۹م.). *موسوعة اليهود و اليهودية*. القاهرة: دارالشروق.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مؤمنی، علی اکبر. (۱۳۹۰). *بررسی تحلیلی مواجهه قرآن با یهود*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- واحدی، علی بن احمد. (۱۴۱۱ق.). *اسباب النزول القرآن*. به تحقیق کمال بسیونی زغلول. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- همدانی، رفیع الدین اسحاق. (۱۳۷۷). *سیرت رسول الله*. به تحقیق اصغر مهدوی. تهران: خوارزمی.